

سیدحیدر آملی و تشکیک در انتصاب یک اثر به نام او

حسین متقی*

چند سال پیش، هنگامی که قرار شد برای کنگره‌ی بزرگداشت عارف نامی سید حیدر حسینی آملی^۱ از سوی کتابخانه‌ی آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی (ره) مقاله‌ای در معرفی آثار دستنویس موجود آن مرحوم در کتابخانه‌ی مذکور، ارائه دهم، در جریان انتساب کتاب الکشکول فیما جری لآل الرسول (ع) به سید حیدر آملی، با توجه به تاریخ تألیف آن - سال ۷۳۵هـ. که اختلافات شیعه و اهل تسنن به اوج خود رسیده بود - بدون مراجعه به منبعی و ناخودآگاه، این سؤال در ذهنم مطرح گردید که سید حیدر جوان در سال تألیف آن کتاب (۷۳۵هـ)، تنها ۱۵ ساله بوده است و عرفاً وی نمی‌توانسته دست به تألیف کتاب الکشکول بزند، و همچنین عادتاً جوان کم سن و سالی (۱۵ ساله) محلّ مراجعه و درخواست مردم برای تألیف رساله یا کتابی قرار نمی‌گیرد؛ البته سپس مشاهده گردید که کسان دیگری هم در منابع به این مسأله پرداخته بودند؛ پس نگارنده‌ی واقعی الکشکول فیما جری لآل الرسول (ع) چه کسی می‌توانسته بوده باشد؟

برخی بر این باورند که کتاب الکشکول فیما جری لآل الرسول (ع) تألیف علامه حلی - رحمت الله علیه - می‌باشد، لیکن با توجه به اجماع تراجم نویسان معتبر در تاریخ وفات وی (سال ۷۲۶هـ.) این انتساب نیز طبیعتاً مردود است؛ برخی نیز مانند مرحوم علامه محسن امین، صاحب أعیان الشیعة با توجه به نسخ اقدم این اثر، نسبت مؤلف را به هبة الله بن اسماعیل بن محاسن المعمار الأسدی ترجیح دانسته‌اند (ج ۶، صص ۲۷۱-۲۷۲) که البته جای بررسی دقیق‌تر در مورد اخیر (ابن المعمار) باقی است.

* فهرست‌نگار، نسخه‌پژوه و پژوهشگر کتابخانه مجلس

اخیراً هنگام تورق فهرست کتابخانه‌ی کوپریلی استانبول (ج ۱، ص ۱۱۴) به اثری با عنوان المتعمد من المنقول فیما أوحی الی الرسول (ع) در مجموعه‌ی وقفی فاضل احمد پاشا به شماره‌ی <۲۱۳> برخوردیم که مؤلف آن <حیدر بن علی بن حیدر القمی المعروف بالفاشی> ثبت شده بود. از آنجا که این اثر را مرحوم آغا بزرگ تهرانی در طبقات أعلام الشیعة (قرن ۸): ص ۷۰ و اسماعیل پاشا بغدادی در هدیه العارفین (ج ۱، ص ۳۴۱) و نیز عمررضا کحاله در معجم المؤلفین (ج ۴، ص ۹۱) و هانری کوربن^۲ هم در مقدمه‌ی جامع الأسرار (ص ۵۶) - که هر دو از هدیه العارفین گرفته‌اند - کتاب المتعمد را ضمن تألیفات مرحوم بهاء‌الدین سید حیدر بن علی بن حیدر آملی صاحب تفسیر المحيط الأعظم برشمرده‌اند، با این تفاوت که آغا بزرگ، نام اثر یاد شده را المتعمد من المنقول فیما جرى علی آل الرسول (ع) و گویا نام دیگری برای همان الکشکول فیما جرى لآل الرسول (ع) ثبت نموده است، چرا که میان این دو نام حرف عطف <أو> را به کار برده است و جالب است بدانیم که اتفاقاً همین نام مشابه در این دو اثر، انگیزه‌ای گردید که نگارنده این مبحث را به جدیت پی گیرد؛ با این ایده که قاعدتاً مؤلف این دو اثر یکی باید باشد!

در وهله‌ی نخست وجود کلمه‌ی <فیما جرى علی آل الرسول> این نظر را در ذهن تقویت می‌کرد که نزدیکی پسوند این دو اثر خود قرینه‌ای است بر اینکه باید مؤلف المتعمد با نگارنده‌ی الکشکول مرتبط یا متحد بوده باشد و قرینه‌ی دیگری که این دیدگاه را بیشتر تقویت نمود وجود اجازه‌نامه‌ای از مؤلف (حیدر بن علی بن حیدر قمی) با تاریخ ۷۱۹هـ. در پایان نسخه‌ی المتعمد (نسخه‌ی کوپریلی) بوده که به کاتب نسخه <حسین بن عبدالله بن محمد الطیبی^۳> داده است. در بدو امر طبیعی بود که وجود نسخه‌ی خط مؤلف از کتاب المتعمد، برای همیشه به این بحث خاتمه می‌داد و نظریه‌ی وجود یک یا دو همنام دیگر را برای سید حیدر آملی - همچنان که مرحوم علامه امین در أعیان الشیعة (ج ۶، صص ۲۷۱-۲۷۲) و هانری کوربن و دیگران گوشزد نموده‌اند - به اثبات می‌رساند؛ چرا که در پایان این اثر (المتعمد) تاریخ ۷۱۹هـ. وجود داشت که به خط مؤلف آن <حیدر بن علی بن حیدر قمی> بوده و در آن سال (۷۱۹هـ.) سید حیدر آملی، صاحب تفسیر المحيط الأعظم (درگذشته بعد از سال ۷۸۲هـ) هنوز به دنیا نیامده بود! چرا که بر اساس نوشته‌ی اکثر تراجم نگاران سال تولد وی ۷۲۰هـ. است. البته جا داشت که در همایش بزرگداشت وی در آمل، ضمن مقاله‌ای بدان به تفصیل پرداخته می‌شد! نگارنده تقریباً بیش تر مقالات منتشر شده در کنگره‌ی مرحوم سید حیدر آملی و حتی برخی مدخل‌های دائرة المعارف‌ها مانند دائرة المعارف بزرگ اسلامی (ج ۲، صص ۲۱۴-۲۱۵) را بررسی کرده، لیکن متوجه گردید که تقریباً کسی به این مسأله‌ی مهم به طور جدی متعرض نشده و بحثی نکرده است.

وجود برخی پارادوکس‌ها در منابع و فهرس و نیز فهرست‌های کوپریلی، دسترسی به آن نسخه و بررسی دقیق آن را ضروری افتاد. در راستای این امر نکات چندی که گاه شکل تعارض و تناقص به خود گرفته، عبارتند از:

۱. در فهرست قدیم کوپریلی (ص ۱۳) این نسخه با عنوان المتعمد فی التفسیر از [الحافظ] ابوالقاسم اسماعیل بن محمد الإصبهانی [الملقب بـ <قوام السنّة>] (درگذشته سال ۵۳۵هـ.) ثبت گردیده که قاعدتاً باید منشأ اشتباه فهرست‌نگار آن، نظریه‌ی صاحب کشف الظنون (ج ۲، صص ۱۷۳۲-۱۷۳۳) بوده است، چرا در بدو امر وجود کلمه‌ی المتعمد و نیز موضوع اثر، یعنی تفسیر، قرینه‌های اولیه‌ای بودند تا فهرست‌نگار فهرست نامگوی

کوپریلی - که در زمان دولت عثمانی و در کمال استعجال نگاشته شده است - نام اثر و نیز نام مؤلف را به اشتباه از کشف الظنون گرفته و در فهرست ثبت نماید در صورتی که بر اساس کشف الظنون فهرست یاد شده ده جلد می‌باشد و حال آنکه این اثر کامل و تفسیر تمامی آیات قرآن کریم است.

۲. اسماعیل پاشا بغدادی در کتاب ایضاح المکنون (ج ۱، ص ۵۰۸) در باره‌ی این اثر آورده: <المعتمد من المنقول فیما أوحی إلی الرسول فی الحدیث لبهاء‌الدین حیدر بن علی بن حیدر الفاشی فرغ من کتابته سنة ۷۷۶هـ . ست و سبعین و سبعمئة!> و همو در هدیه العارفین (ج ۱، ص ۳۴۱) ضمن اینکه شرح حال سید حیدر آملی را با حیدر قمی کاشی یکی دانسته و آن دو را - به اصطلاح - به هم میکس کرده و نام مؤلف را به صورت <بهاء‌الدین حیدر بن علی بن حیدر العلوی الحسینی الآملی الطبری القاشی الشیعی الإمامی نزیل بغداد من تصانیفه: ... المعتمد فیما أوحی إلی الرسول صلعم فرغ من کتابته ۷۳۳هـ . ثلاث و ثلاثین و سبعمئة> نوشته است!

۳. در تاریخ ادبیات عرب تألیف خاورشناس شهیر کارل بروکلمان (ج ۲، ص ۲۱۲) به همان نسخه‌ی کوپریلی اشاره شده و آن را از <بهاء‌الدین الحیدر بن علی بن الحیدر الکاشی> (قرن ۸ هـ) دانسته است که تلویحاً به وجود حیدر بن علی دیگری جز صاحب تفسیر محیط الأعظم اشاره دارد.

۴. در فهرست جدید کتابخانه‌ی کوپریلی که زیر نظر شخصیت برجسته‌ای چون اکمل الدین احسان اوغلو تهیه شده، علی رغم وجود اجازه‌ای باتاریخ ۷۱۹هـ. از مؤلف در پایان نسخه‌ی المعتمد، تاریخ وفات مؤلف بعد از سال ۷۷۶هـ. را از ایضاح المکنون گرفته، در حالی که بر فرض صحت، تاریخ مذکور - طبق نظر اسماعیل پاشا بغدادی - سال فراغت از کتابت نسخه بوده و نه فراغت از تألیف! هر چند که همو در هدیه العارفین (ج ۱، ص ۳۴۱) تاریخ فراغت از کتابت همین نسخه را سال ۷۳۳هـ. ثبت نموده است!

اندیشه‌ی پایان دادن به میحث انتساب الکشکول به مرحوم قطب العارفین سید حیدر آملی، و نیز وجود تعارضاتی آشکار در فهرست کوپریلی نسبت به این نسخه، همچنین یافتن راهی برای حل تناقضات در منابع تراجم و فهرس دربار‌های این اثر و بالمآل تصحیح کتابی شیعی از یک فردی <قمی> از سوی راقم، این کمینه را بر آن داشت تا به هر قیمتی که شده باشد، به نسخه‌ی المعتمد من المنقول فیما أوحی إلی الرسول (ع) که تا آن مقطع گمان می‌کردم منحصر به فرد است، دست یازم. علی رغم شرایط سخت حاکم بر کتابخانه‌های ترکیه در دسترسی به تصویر نسخ خطی، به همت و تلاش مجدانه‌ی یکی از دوستان بزرگوارم در آلمان، از سوی رایزنی فرهنگی ترکیه در شهر برلین، از کتابخانه‌ی کوپریلی استانبول - که اینک آن مجموعه تحت اشراف کتابخانه‌ی سلیمانیه اداره می‌گردد - خوشبختانه تصویری از نسخه‌ی مذکور به دست نگارنده رسید!

مشخصات نسخه‌ی شماره‌ی <۲۱۳> از مجموعه‌ی وقفی فاضل احمدپاشا، بر اساس فهرست مخطوطات کوپریلی (ج ۱، ص ۱۱۴) عبارت است از: <المعتمد من المنقول فیما أوحی إلی الرسول (ص)، تألیف حیدر بن علی بن حیدر القمی المعروف بالفاشی [= القاشی= الکاشی] [المتوفی بعد سنة ۷۷۶هـ.]، علیه اجازه المؤلف سنة ۷۱۹هـ.، ۱۹۵ ورق.>

باید دانست که کتاب المعتمد من المنقول فیما أوحی إلی الرسول (ص) تفسیری روایی بر مذاق اهل سنت است که با بهره‌گیری از آثاری همچون: صحیح بخاری، صحیح مسلم، سنن ترمذی، سنن ابن ماجه، سنن نسائی،

سنن ابی‌داود، سنن دارمی و نیز شرح السنة تألیف حسین بن مسعود بغوی (در گذشته سال ۵۱۶ هـ.) در سه قسم: القسم الأوّل فی السوابق و المقدمات (در ۲۸ باب)، القسم الثانی فی المقاصد و المهمات و القسم الثالث فی اللواحق و المتممات (۶ باب) پیش از سال ۷۱۹ هـ. نگارش یافته است. در این اثر هر سوره با عناوین <القول فی تراجمها - القول فی الأخبار و الآثار> نوشته شده است و مؤلف از امیرالمؤمنین علی علیه السلام با عنوان <علی کرم الله وجهه> یاد کرده و از خلفای دیگر با دعای <رضی الله عنه> یاد نموده است. کاتب نسخه هم شرف‌الدین حسین بن عبدالله بن محمد الطیبی (در گذشته سال ۷۴۳ هـ.) بوده که در پایان نسخه‌ی المعتمد دو انهاء و اجازه از سوی مؤلف (حیدر بن علی بن حیدر قمی کاشی) به وی صادر شده است که نشان می‌دهد، استنساخ این اثر در مرآی و منظر مؤلف بوده و طیبی، این اثر را، طبق این آنها و اجازه‌ها نزد کاشی خوانده است.

چنانکه پیش‌تر نیز دانسته شد، الکشکول فیما جرى لآل الرسول (ع) کتابی از یک نویسنده‌ی شیعی به نام <حیدر بن علی بن حیدر> است - همچنانکه این امر از مقدمه‌ی آن اثر نیز هویدا است -، لیکن در بررسی محتوایی کتاب المعتمد متوجه می‌شویم که این اثر تألیف دانشمندی از اهل سنت است و نه شیعی و بر اساس اجازه‌ی آخر آن کتاب، تألیف فردی با عنوان <حیدر بن علی بن حیدر قمی کاشی> می‌باشد و نکته‌ی جالب توجه این که وجود نسبت <قمی> در نام یک عالم سنی در بدو امر، اندکی غریب و دور از ذهن و واقعیت به نظر می‌رسد! هر چند که گاهی در مصادر، اندک کسانی از <قم> را می‌توان یافت که سنی بوده باشند! همچون <نظام‌الدین حسن اعرج قمی نیشابوری> که اگر از تشکیک و تردیدهای تراجم نویسان در تسنن و تشیع وی بگذریم، نسبت وی <قمی> است؛ البته نباید وی را <قمی> اصیل دانست؛ همچنان که <اعرج> اصالتاً اهل نیشابور بوده است که مدتی نیز در قم زندگی کرده است. در ما نحن فیه، نیز وجود نسبت <کاشی> در نام مؤلف مؤید همین نکته است و از طرف دیگر در اوایل سده‌ی ۸ هـ. بسیاری از ولایات، حتی مردم بخش‌هایی از شهر کاشان، سنی شافعی بوده‌اند و از این نظر استعدادی نیز ندارد.

باید توجه داشت که مؤلف در این اثر مقید به افزودن قید <و آله> در صلوات بر نبی مکرم اسلام (ص) بوده و حدیث ثقلین را به طرق خاص خود در مقدمه‌ی کتاب المعتمد (برگ ۵ الف) با این عبارات آورده است: <الدارمی عن زید بن أرقم قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: إني تارك فيكم ما إن تمسكتم به لن تضلوا بعدى إحداهما أعظم من الآخر و هو كتاب الله حبل ممدود من السماء إلى الأرض و عترتي أهل بيتي لن يفترقا حتى يردا عليّ الحوض... و فی رواية مسلم ألا أيها الناس إنما أنا بشر يوشك أن يأتي رسول ربّي فأجيب فإني تارك فيكم ثقلين أولهما كتاب الله في الهدى و النور فخذوا بكتاب الله و استمسكوا به؛ فحثّ عليّ كتاب الله و رغب فيه؛ ثم قال و أهل بيتي أدرككم الله في أهل بيتي، أدرككم الله في أهل بيتي...> که لااقل به متشیع بودن مؤلف اشعار دارد، لیکن دو انهاء و اجازه‌ای که در پایان همین نسخه، مؤلف به کاتب داده، بدون در نظر گرفتن متن اثر، تقریباً به شیعه بودن <حیدر بن علی بن حیدر قمی> می‌توان حکم صریح نمود! و همچنین نباید از نظر دور داشت که ممکن است مؤلف در پرده‌ی تقیه قرار داشته است و نمی‌توانسته صریح به ابراز عقیده‌ی حقیقی و شیعی خود در این اثر بپردازد! به هر تقدیر نباید از نظر دور داشت که مؤلف شیعی مرام الکشکول فیما جرى لآل الرسول (ع) با نگارنده‌ی سنی مذهب المعتمد من المنقول فیما أوحى إلى الرسول

(ص) قطعاً متفاوت بوده و یقیناً دو نفر هستند؛ که با در نظر گرفتن قطب العارفین سید حیدر آملی، در قرن هشتم هجری، حداقل سه شخصیت با عنوان <حیدر بن علی بن حیدر> خواهیم داشت!

باید دانست که کاتب نسخه‌ی المعتمد نیز، حافظ شرف الدین حسین بن عبدالله بن محمد^۵ طیبی دمشقی (در گذشته سال ۷۴۳هـ.)^۶ است که خود یکی از بزرگان اهل سنت است و شخصاً دارای تألیفات چندی بوده است که از آن جمله‌اند:

۱. التبیان فی المعانی و البیان تألیف سال ۷۴۲هـ.، که نسخه‌هایی از آن در کتابخانه‌ی ملی فرانسه در پاریس به شماره‌ی ۴۴۲۲، کتابخانه‌ی دانشگاه پرنستون در ایالت نیوجرسی - امریکا به شماره‌ی <۱۵۵۴>، کتابخانه‌ی اوقاف سلیمانیه در عراق و کتابخانه‌ی ولی‌الدین افندی (ضمن کتابخانه‌ی سلیمانیه) در استانبول موجود است.

۲. الخلاصة من أصول (معرفة) الحدیث، نسخه‌هایی از آن در کتابخانه‌ی داماد ابراهیم پاشا (ضمن کتابخانه‌ی سلیمانیه) در استانبول به شماره‌ی <۳/۳۹۴> (کتابت ۸۱۶هـ) و کتابخانه‌ی رشید افندی (ضمن کتابخانه‌ی سلیمانیه) در استانبول به شماره‌ی <۹۹۱> و کتابخانه‌ی آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی (ره) در قم به شماره‌های ۳۴۵۲ و ۱۳۳۸۹ موجود است.

۳. شرح أسماء الحسنی.

۴. فتوح الغیب فی الكشف عن قناع الریب، که همان حاشیه‌ی الکشاف اوست؛ نسخه‌هایی از آن در کتابخانه‌ی لاله‌لی (ضمن کتابخانه‌ی سلیمانیه) در استانبول به شماره‌های <۳۳۸-۳۴۰>، کتابخانه‌ی مجلس شورای اسلامی در تهران به شماره‌ی <۶۴>، در کتابخانه‌ی مرکزی آستان قدس رضوی <سه نسخه>، کتابخانه‌ی مسجد نبوی (ص) به شماره‌ی <۲۱۲/۳۵>، کتابخانه‌ی کاخ گلستان به شماره‌ی <۱۲۹۸>، آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی (ره) در قم به شماره‌های ۱۲۰۸ و ۴۵۹۵ و نیز دو نسخه دارالکتب الظاهریه در دمشق به شماره‌های ۷۷۰۹/۲ و ۷۸۸۶/۱ موجود است.

۵. الکاشف عن حقائق السنن فی شرح مصابیح السنة، نسخه‌هایی از آن در کتابخانه‌ی اوقاف موصل در عراق نگهداری می‌گردد.

۶. اسماء الرجال ممن له ذکر و روایة فی کتاب المشکوة، تألیف سال ۷۴۰هـ. که نسخه‌ای از آن در دارالکتب الظاهریه در دمشق به شماره‌ی ۶۱۶۴ موجود است.

۷. خلاصة المختصر، نسخه‌ای از این اثر هم در کتابخانه‌ی مرکزی آستان قدس رضوی به شماره‌ی ۱۱۳ نگهداری می‌گردد.

بر اساس دو انهاء و اجازه‌ی پایانی نسخه، طیبی کتاب المعتمد را که خود به خط خویش نگاشته بود، در سال ۷۱۹هـ. نزد مؤلف (حیدر بن علی بن حیدر قمی کاشی) قرائت کرده و به پایان برده و مؤلف نیز در ضمن انهای کتاب، اجازه‌ای نیز مبنی بر روایت این اثر و سایر تألیفات و آثار خود به طیبی داده است. البته اگر عبارت <ألفه الکاتب أصغر عبدا لله...> در متن اجازه وجود نداشت، ممکن بود با توجه به سایر آثار عالمانه‌ی طیبی، این اثر را نیز تألیف وی بدانیم! لیکن به هر تقدیر متن انهاء و اجازه تصریح دارد که این اثر (المعتمد) از <حیدر بن علی قمی کاشی> است و تردیدی در آن نسبت وجود ندارد.

نتیجه‌ی بحث اینکه کتاب المعتمد من المنقول فیما أوحی الی الرسول (ص) - چنانکه برخی پنداشته‌اند - تألیف علامه سید حیدر آملی (زنده در سال ۷۸۲هـ.ق) یا از صاحب الکشکول (زنده در سال ۷۳۵هـ.ق) نمی‌تواند باشد و به نظر راقم این شخص به احتمال قوی باید همان <بهاء الدین حیدر کاشی> بوده باشد که رساله‌ای نیز از وی به نام کتاب أدعیة النبی در سفینه تبریز (صص ۳۱-۳۶)^۷ آمده است و عبارت <دام ظلّه> در رقم کاتب سفینه یعنی <ابوالمجد محمد بن مسعود تبریزی> نشان می‌دهد که کاشی در سال ۷۲۳هـ.ق در قید حیات بوده است. باید دانست که اگر نظر مرحوم مدرّس تبریزی را نیز در ریحانة الادب (ج ۳، ص ۴۷۵) به بحث، لحاظ نماییم، به وجود "حیدر بن علی بن حیدر" چهارمی هم باید اعتراف نماییم! چرا که مرحوم مدرّس تبریزی، جز "حیدر بن علی بن حیدر قمی" (ما نحن فیه)، به حیدر بن علی بن حیدر (شیعی) دیگری هم اشاره کرده که در سال ۷۵۹هـ.ق به شاگرد خویش فخرالمحققین حلّی اجازه داده است و این شخص به طور قطع و یقین <سید حیدر آملی> عارف مشهور نیست، چرا که وی خود شاگرد فخرالمحققین حلّی بوده و نه استاد وی! و به این ترتیب با احتساب مؤلف به ظاهر سنی مذهب ما، یعنی <حیدر بن علی بن حیدر قمی> چهار حیدر بن علی حیدر (سه شیعی و یک سنی)، فقط در سده‌ی ۸هـ.ق خواهیم داشت! که یکی مؤلف المعتمد (زنده ۷۲۳هـ.ق) دومی الکشکول (زنده ۷۳۵هـ.ق) سومی که به فخرالمحققین حلّی اجازه داده است (زنده ۷۵۹هـ.ق) و چهارمی نیز سید حیدر عارف نامی (زنده ۷۸۲هـ.ق) خواهد بود.

تردید نیست که پرونده‌ی بحث در باره‌ی مؤلف کتاب المعتمد من المنقول فیما أوحی الی الرسول (ع) هم چنان روی پژوهشگران باید باز باشد و برای همین منظور تصویری از آغاز و انجام و اجازات روی آن نسخه، جهت تحقیق و بررسی بیش‌تر از سوی محققان در پایان همین نوشتار درج گردیده است؛ به هر تقدیر آن چه در این نوشتار نگارش یافت، صرفاً گمانه‌زنی‌های اولیه‌ای بود که به اختصار باز نموده شد.

پی‌نوشت‌ها:

۱. ریحانة الادب: ج ۱، ص ۶۴ و ج ۴، صص ۱۰۴-۱۰۶.
۲. به نظر میرسد هانری کوربن از وجود نسخه‌ی المعتمد در کوپریلی بی‌خبر بوده است، چرا که در آن ایام از کتابخانه‌ی کوپریلی فقط یک فهرست قدیمی در دسترس بود که در آن هم نام اثر و مؤلف را به اشتباه منسوب به اصفهانی ثبت شده بود! و گرنه با امکانات دولتی که در دسترس وی بوده حتماً تصویری از آن اثر تهیه می‌نمود و یا لااقل در کتابشناسی که در مقدمه‌ی جامع الاسرار به همراه عثمان یحیی بر آثار مرحوم سید حیدر آملی نگاشته، بدان گوشزد می‌نمود.
۳. ریحانة الادب: ج ۴، ص ۶۵؛ آقای حاجتی شرح کاملی از احوال و آثار طیبی در کشف الفهارس (ج ۴، صص ۲۹-۳۰) آورده است.
۴. درباره‌ی این اثر کتاب الفوائد الطریفة (ص ۲۷۹) از مرحوم میرا عبدالله افندی نیز ملاحظه گردد.
۵. در هدیه‌العارفین (ج ۱، ص ۲۸۵) به صورت <شرف الدین حسن بن محمد بن عبدالله الطیبی> ثبت شده، لیکن صحیح آن همان <حسین بن عبدالله بن محمد الطیبی> است.

- ۶. درباره‌ی طیبی، کتاب الفوائد الطریفة (ص ۵۴۳) از مرحوم میرا عبدالله افندی نیز ملاحظه گردد.
- ۷. نامه بهارستان: س ۸-۹، ش ۱۳-۱۴، ۱۳۸۶-۱۳۸۷ش، ص ۲۸۷.



